

واکاوی دعای کمیل با هدف یافتن دلالت‌های تفکر مراقبتی در آن

علی‌شاه فایق^۱

چکیده

در این تحقیق، دعای کمیل با هدف یافتن دلالت‌های تفکر مراقبتی در آن، واکاوی می‌شود. این کار به این دلیل انجام می‌گردد که تفکر مراقبتی جایگاه برجسته در تعلیم و تربیت معاصر به‌خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، این تحقیق بر این مبنا استوار است که متون رسیده از پیشوایان دینی، از جمله دعای کمیل، جنبه‌ی برجسته‌ی تعلیمی و تربیتی دارند. لذا دعای کمیل با روش تحلیل اسنادی مورد پژوهش قرار می‌گیرد تا با ردیابی دلالت‌های تفکر مراقبتی در آن، جایگاه این دعا در عرصه‌ی تعلیم و تربیت معاصر سنجیده و نشان داده شود. نتیجه‌ی به‌دست آمده از این تحلیل نشان می‌دهد که دعای کمیل حاوی دلالت‌هایی بر ابعاد مختلف تربیت مراقبتی و به ویژه دسته‌های «ارزش‌گزار»، «هنجاری»، «همدلی» و «عاطفی» است. همچنین این تحلیل و نتیجه آن ما را به این واقعیت رهنمون می‌شود که بتوانیم سایر دعاها و یا سخنان امام علی^(ع) را از این منظر به بررسی و تحلیل بگیریم.

واژگان کلیدی: دعای کمیل، تفکر مراقبتی، دلالت‌های تفکر مراقبتی، امام علی^(ع)، تربیت مراقبتی.

مقدمه

همه‌ی مسلمانان، بر مبنای قرآن و سنت، معتقداند که یکی از اهداف اصلی بعثت نبی گرامی اسلام و نیز جانشینی و خلافت خلفای راستین و جانشینان ایشان که پیشوایان رستگاری بودند، تربیت و تعلیم است. قرآن در زمینه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند [تربیت] و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد [تعلیم]، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.» (آل عمران: ۱۶۴)

اما نکته‌ای که در خور توجه است، این‌که شیوه‌های تربیتی و تعلیمی ایشان متناسب به زمان، زمینه، مکان و ظرفیت مخاطبین متفاوت بوده است. در این رابطه، پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عُقُولِهِمْ.» (حرّانی، ۱۳۸۲، ص ۳۷ و ثقة الاسلام کلینی، ج ۱، ۱۳۹۰، ص ۲۶۸)

مولوی بلخی ناظر به این فرمایش پیامبر و فرمایش دیگری از ایشان می‌گوید: «چونک با کودک سر و کارم فتاد، هم زبان کودکان باید گشاد» (مولوی بلخی، دفتر چهارم، ۱۳۸۷، بخش ۱۰۰). پیامبر (ص) و ائمه (ع) که چون نور واحد و جان یگانه بودند (ثقه الاسلام کلینی، ج ۴، ۱۳۹۰، ص ۲۸۱ و ۲۲۳)، برای تحقق اهداف تربیتی خود ناچار بودند، ملاحظات پیرامونی و ظرفیت و توان مخاطبین خویش را در نظر گرفته و بر مبنای آن عمل کنند. البته این به معنای عبور از اصول آموزه‌های دینی و اساسات اعتقادی و ایجاد تغییر در محتوا و درون‌مایه احکام الهی نبوده است و نیست.

بر همین اساس است که ایشان در خطبه‌ها، نامه‌ها، دعاها و سخنان کوتاه خود، در عین تنوع و گوناگونی ساختار و شکل، هدف یگانه‌ای را دنبال می‌کنند؛ یعنی امام سجاد (علیه السلام) در دعاهای خویش دنبال همان هدف و در پی همان مقصدی هستند که امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ها و نامه‌های خود همان هدف و مقصد را می‌جوید.

یکی از دعاهای ویژه و با محتوای ناب و بی‌مانند که ابعاد گسترده و بی‌نظیر تربیتی دارد، دعای کمیل است. نگارنده این سطور، بنا دارد این دعا را واکاوی کرده و دلالت‌های تفکر مراقبتی آن را بیابد و تقدیم خوانندگان عزیز نماید.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسأله

مسأله‌ی اصلی که این مقاله در صدد پاسخ‌دهی به آن است، این‌که: «آیا مفاهیم و آموزه‌های دال بر تفکر مراقبتی در دعای کمیل وجود دارند؟» و «این دلالت‌های تفکر مراقبتی کدام‌هااند؟» قرن‌ها است که هر بعد از ابعاد وجودی بشر، مسیر مستقلی را در پیش گرفته و از سایر ابعاد، جدا افتاده است. عقل از عاطفه، عاطفه از حس و حس از هر دو دور گشته و هر کدام در مسیری راه پیموده‌اند. نتیجه‌ی این جدایی و راه‌پیمایی مستقلانه، سخت شدن کار تربیت و از میان رفتن انرژی مربی و متربی در مسیرهای متضاد است. در روزگاری، عواطف اصل انگاشته شد و عقل و حس مورد غفلت قرار گرفتند. زمانی دیگر، حس، اساس کار دیده شد و عاطفه و عقل به کناری نهاده شدند. در دوره‌ای نیز عقل همه چیز به حساب آمد و حس و عاطفه مورد بی‌مهری واقع شدند. طبیعی بود که منابع بازمانده از پیشگامان اندیشه‌ی بشری بر مبنای همان نگاه و نگرش و در مسیر توجیه و تقویت آن اصل بازخوانی و به کار گرفته می‌شد. به‌عنوان نمونه، عقل‌گرایان آیات قرآنی و روایات معصومین را در مسیر توجیه و تقویت عقل‌گرایی و عاطفه‌گرایان در مسیر توجیه و تقویت عاطفه‌گرایی، به کار می‌گرفتند. به بیان دیگر، به جای فهم آیت و روایت، به تفهیم آن می‌پرداختند.

بر مبنای همین رویکرد و بر پایه همین فرض است که دُعا صرفاً ابزار تعامل فردی یک انسان نیازمند با خدای بی‌نیاز پنداشته می‌شود و کارکرد میان‌بشری و درون‌انسانی آن به طور کامل مورد غفلت قرار می‌گیرد.

یکی از همان دعاها، دعای کمیل است. دعایی که برای کسب ثواب، بسیار خوانده می‌شود؛ اما با همه‌ی این خوانش‌های بسیار، به محتوای تربیتی و بینابشری و درون‌انسانی آن توجهی صورت نمی‌گیرد. حال که ما با رویکرد تفکیکی (ابزار رابطه با خدا غیر از ابزار رابطه با دیگران و غیر از ابزار رابطه با خود است) خو کرده‌ایم، در اولین لحظه، این پرسش مطرح می‌شود که آیا دُعا کارکرد تربیتی بینابشری و درون‌انسانی هم دارد؟ آیا دُعا می‌تواند رابطه‌ی ما را با خودمان یا با انسان‌های دیگر روشن سازد و تصحیح کند؟

نگارنده مدعی است که دُعا چنین کارکردی را دارد. وقتی در دعای کمیل می‌خوانیم: «ای خدا

غمی بزرگ در دل دارم و حالی بسیار ناخوش و اعمالی نارسا و زنجیرهای علایق مرا در بند کشیده و آرزوهای دور و دراز دنیوی از هر سودی مرا باز داشته و دنیا به خدعه و غرور و نفس به جنایت مرا فریب داده است» (دعای کمیل)، بیش و پیش از تصویر و تصحیح رابطه‌ی ما با خدا، رابطه ما را با خود ما تصویر می‌کند و در صدد تصحیح آن است.

همین‌طور وقتی می‌خوانیم «پس تو مرا با دشمنان اگر به انواع عقوبت معذب گردانی و با اهل عذابت همراه کنی و از جمع دوستان و خاصانت جدا سازی در آن حال، گیرم که بر آتش عذاب توای خدای من و سید و مولای من و پروردگار من صبوری کنم چگونه بر فراق تو صبر توانم کرد»، در حقیقت به اهمیت و بی‌مانندی جایگاه دوستی با دوستان (خدا نیز به‌عنوان دوست خطاب می‌شود و نه به‌عنوان معبود) می‌پردازیم. «(دعای کمیل)

بنابراین اگر نگاه جامع و همه‌جانبه به آثار رسیده از پیامبران، ائمه و دانشمندان متقدم صورت بگیرد، معلوم می‌شود که این آثار دارای محتوای عمیق تربیتی برای ابعاد گوناگون زندگی انسان از بعد اعتقادی، اخلاقی و عقلانی تا اجتماعی و سیاسی و نیز بعد عاطفی، حسی و عقلانی هستند. پس «چشم‌ها را باید شُست، جور دیگر باید دید» (سپهری، ۱۳۹۵، ۳۷)

۱-۲. پیشینه‌ی پژوهش

دعای کمیل که بعداً به صورت جامع‌تر و در حد ضرورت، معرفی خواهد شد، توسط امام علی (ع) به کمیل بن زیاد نخعی آموزش داده شده است. این دعا در طول تاریخ اسلام مورد توجه علماء بوده است. آنان شرح‌های بسیاری را برای این دعا نگاشته‌اند که: شرح دعای کمیل نوشته میرزا ابوالحسن لاری، شرح دعای کمیل مولی عبدالله سبزواری، شرح دعای کمیل از میرزا عباس دارابی، انیس اللیل در شرح دعای کمیل از تألیفات حاج محمدرضا کلباسی، شرح دعای کمیل از میرزا ابوالقاسم فرزند حجت مامقانی و نیایش عارفان، شرح حکمت و معنویت شیعی در دعای کمیل از محمد فنایی اشکوری بخشی از همان شروح است. (فنایی اشکوری، ۱۳۸۶ ش، ص ۸۹-۸۷). اخیراً نیز آقای شیخ حسین انصاریان شرحی بر دعای کمیل در ۳ ج نگاشته‌اند که توسط انتشارات دارالعرفان قم در سال ۱۳۸۸ نشر شده و به صورت کتاب و فایل از طریق اینترنت قابل دریافت و مطالعه است.

اما رویکرد همه‌ی این شروح یکی است. صاحبان این شروح با رویکرد اخلاقی به دعای

کمیل نگریسته‌اند و در صدد شناخت رابطه‌ی انسان با خدا و توسعه‌ی این رابطه به واسطه سخنان بزرگ‌مردی چون علی^(ع) بوده‌اند. به‌طور طبیعی فهم و بیان ایشان نیز خاص است و مناسب فضای تعاملی انسان با خدای متعال و صرفاً بار اخلاقی - الهی دارد.

از این منظر، شاید بتوانیم شروع دعای کمیل را به‌عنوان پیشینه‌ی پژوهش در حوزه مشخص این تحقیق به حساب آوریم.

بخش دیگر موضوع تحقیق که «تفکر مراقبتی» است، سابقه‌ی زیادی در میان پژوهش‌های تربیتی، به‌خصوص پژوهش‌های تربیتی فارسی ندارد. تفکر مراقبتی برای نخستین بار از سوی ماتیو لیپمن^۱، به‌عنوان یکی از ابعاد تفکر یا اشکال تحقیق در کنار تفکر انتقادی و تفکر خلاق مطرح شد. (لیپمن^۲؛ ۱۳۹۰، ص ۹۱) کلیت طرح آقای لیپمن «تفکر در تعلیم و تربیت^۳» بود که به صورت یک کتاب درآمده است و در درون آن، به تفکر مراقبتی در حد چند صفحه پرداخته شده است. در حوزه زبان فارسی، اما جستجوها کاملاً نومیدکننده بود. ظاهراً هیچ تحقیق جدی و کار قابل تأملی در این زمینه صورت نگرفته است. صرفاً همان کتاب آقای لیپمن توسط آقایان ادریس اسلامی و کیوان اسدی ترجمه شده و توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد نشر شده است. مقالات یا کتاب‌هایی نیز که با عنوان «فلسفه برای کودکان» یا «کودک و تفکر» نشر شده‌اند، بیش‌تر به تفکر انتقادی و سپس خلاق پرداخته‌اند و از تفکر مراقبتی در آن‌ها اثر چندانی نیست. بنابراین می‌توان مدعی شد که این تحقیق در همین اندازه و سطح ناقص و ابتدایی خود نیز تازه و نو و بی‌پیشینه است.

۱-۳. روش پژوهش

روش این تحقیق، تحلیلی به‌شیوه‌ی تحلیل اسناد است؛ یعنی گردآوری اطلاعات با دیدن و مطالعه اسناد معتبر صورت می‌گیرد. سپس مفاهیم و عبارات دعای کمیل با رویکرد تحلیلی و به‌صورت دقیق تحلیل می‌شوند. پس از آن الگوهای مناسب تفکر مراقبتی از لیپمن اخذ می‌گردند و در گام سوم، آن مفاهیم و عبارات براساس الگوهای آماده شده ردیابی و توضیح داده می‌شوند.

1. Matthew lipman
2. Lipman
3. Thinking in education

۲. مفاهیم

۲-۱. تفکر مراقبتی^۱ چیست؟

۲-۱-۱. تفکر

الف: تفکر، مترادف تأمل، دقت، رویت و فکر است. مثل این سخن لایب نیتس که گفته است: «تفکر ما چیزی جز دقت در آنچه در درون ما جریان دارد نیست»؛ یا این سخن جان لاک که گفته است: «تمام اجزاء معرفت ناشی از احساس است که توسط آن صفات اجسام را درمی‌یابیم و یا ناشی از تفکر است که توسط آن احوال مختلف نفس را درمی‌یابیم».

ب: تفکر، خصوصاً عبارت است از دقت کردن در یکی از موضوعات فکر و یا عبارت است از توقیف انتقادی حکم. این دقت و انتقاد یا برای تحلیل دقیق یکی از پدیده‌هاست و یا برای شناخت برترین علت آن‌هاست و یا برای سنجش نتایج بعضی افعال و محاسبه خوبی‌ها و بدی‌های آن‌هاست.» (صلیبا، ج ۱، بی تا، ص ۶۳۴)

با توجه به این تعاریف می‌توان مدعی شد که تفکر دارای چند شاخصه‌ی اصلی است که عبارت‌اند از:

اول: موضوعیت تصاویر و فهم برای تفکر؛ یعنی آن چه را از بیرون دریافت می‌کنیم و نامش را فهم/حفظ یا تصویر/تصور می‌گذاریم، قابلیت بازاندیشی و دقت را دارند و باید بازاندیشیده شوند تا به «معرفت» بدل گردند. به بیان دیگر «کسب معرفت»، دو مرحله دارد. مرحله‌ی نخست آن، تماس با بیرون و دریافت تصاویر از بیرون است. نام این مرحله و این تصویربرداری، «احساس» است. مرحله‌ی دوم، بازاندیشی و بازخوانی آن تصاویر در درون است. نام این بازاندیشی و بازخوانی، تفکر است.

دوم: انسان در مرحله تفکر، با چند پرسش جدی درگیر می‌شود و تلاش می‌کند پاسخ آن پرسش‌ها را بیابد. آن پرسش‌ها عبارت‌اند از: «چیست؟»، «چرا هست؟»، «برای چه هست؟» و «آیا درست است؟».

پرسش «چیست»، ماهیت‌جویانه است؛ یعنی انسان متفکر می‌خواهد بداند که ماهیت این تصویر و آن چه تصویر از آن حکایت می‌کند، چیست. طبیعی است که در این مرحله، اقسام

1. Careful Thought

چیستی (ماهیت)، خود را بر او می‌نمایانند و او می‌تواند از آن میان، فقط یکی را برگزیند. پرسش «چرا هست»، علت جویانه است؛ یعنی این تصویر و تصویر شده از کجا و به واسطه چه چیزی به عالم هستی راه یافته‌اند. آیا برای راه‌یابی خود به هستی، مسیر درست و مناسب را برگزیده است یا از مسیر نادرست به هستی گام گذاشته‌اند.

پرسش سوم که «برای چه هست» است، غایت جویانه و نتیجه جویانه است؛ یعنی آیا این تصویر و تصویر شده، غایت و نتیجه‌ای دارند؟ آیا نتیجه و غایت اولیه، همان نتیجه و غایت واقعی و نهایی آن‌ها است.

پرسش چهارم، ارزش جویانه است؛ یعنی پرسنده در صدد فهم درستی و نادرستی یا درصد درستی و نادرستی تصویر و رابطه‌ی تصویر با تصویر شده است.

سوم: پاسخ‌دهی به هریک از این پرسش‌ها، با «دقت» و «انتقاد» همراه است؛ زیرا انتخاب یک پاسخ از میان پاسخ‌های بسیاری که ممکن و قابل تصوراند، جز با «دقت» و «انتقاد» میسر نیست. «دقت» به معنای «حساسیت به زمینه» است. این حساسیت زمانی ایجاد می‌شود که انسان نسبت به تصاویر خود «باور قطعی» نداشته باشد و با «چشم‌مان بسته» آن را نپذیرد و در دریافت آن حساسیت داشته باشد. دقت زمینه‌ی انتقاد را فراهم می‌سازد و باعث می‌شود متفکر «سره را از ناسره جدا کند».

چهارم: نتیجه‌ی این بازانندیشی، طرح پرسش‌های چهارگانه و تلاش برای یافتن پاسخ آن‌ها و دقت و انتقاد، «خوداصلاحی» است. خوداصلاحی گامی فرازناک در مسیر عمل است. با خوداصلاحی، تفکر از مرحله‌ی «ذهنی» به سوی «ما فی الذهن»^۱ و بیرون بر می‌گردد و در این مرحله «مراقبه» شکل می‌گیرد و «تفکر مراقبتی» به وجود می‌آید.

آقای لیپمن نیز بر همین اساس، شاخصه‌هایی را برای تفکر بر شمرده است که در نهایت آن‌ها را در چهار شاخصه‌ی اصلی ۱. قضاوت‌گری، ۲. معیارمندی، ۳. حساسیت به زمینه و ۴. خوداصلاحی خلاصه کرده است. (لیپمن، ۱۳۹۰، ۸۶)

البته نکته‌ای که قابل تأمل است، این که آقای لیپمن این شاخص‌ها را برای «تفکر انتقادی»^۲

۱. تفاوتی که علامه طباطبایی^(ع) بین «ذهنی» و «ما فی الذهن» گذاشته است. ذهنی، حیثت معرفتی و تصویرگری دارد و ما فی الذهن، حیثیت عینی و تصورشدن دارد.

برشمرده‌اند؛ ولی چنان که در تعریف آمده بود و در نکته‌ی «۴» طرح شد، «انتقاد» گونه و قسمی از تفکر نیست، بلکه درون‌مایه تفکر است. اصولاً تفکر غیرانتقادی، تفکر نیست.

۲-۱-۲. مراقبه

«مراقبه» پیش از آن که از غرب بیاید و وارد گفتمان نظری فلسفه تعلیم و تربیت یا دیگر بخش‌های دانشی در جهان اسلام بشود، در سخنان فیلسوفان و عارفان مسلمان حضور پررنگ و جدی داشته است. در نظر ایشان «مراقبه به معنای توجه ویژه آگاهانه و هوش‌یارانه نسبت به حرکات روزمره بوده است.» در این نگاه «مراقبه در مقابل عادت‌مندی و شرطی‌شدن قرار داشته است.»^۱ عرفای مسلمان «مراقبه» را از لوازم و در عین حال از عوامل «زندگی اصیل»^۱ برشمرده‌اند. (سجادی، ج ۳، ۱۳۷۳، صفحه ۱۷۵۸ و خواجه طوسی، ۱۳۷۷، ۳۷) زندگی که در آن غلبه با هشیاری و حضور است و در نتیجه همه چیز رنگ تازگی و تجربه را دارد. انسان مراقب از قلمرو ناخودآگاهی به قلمرو خودآگاهی گام گذاشته و مسیر خود را، خود برمی‌گزیند.

لیپمن نیز نزدیک به همین معنا را برای مراقبه قائل است. وی می‌گوید: «مراقبه داشتن، تمرکز روی چیزی است که برایش ارزش قائلیم و آن را مورد تقدیر و ارزش‌یابی قرار می‌دهیم.» (لیپمن، ۱۳۹۰، ۳۴۶) بنابراین مراقبه، یعنی «نگران چیزهای مهم و ارزش‌مند بودن و توجه داشتن دائم به آن‌ها.»

۲-۱-۳. تفکر مراقبتی

حال که تا اندازه‌ای معنای مفردات این اصطلاح را دانستیم، می‌توانیم به معنای آن به صورت کلی و جامع بپردازیم.

طبیعی است که اصطلاحات و مفاهیم غیر ماهوی را تعریف حدی نمی‌توان کرد و حتا تعریف رسمی آن‌ها نیز ناممکن است؛ زیرا تعریف حدی و رسمی فرع داشتن جنس و فصل یا عرض عام و خاص است؛ و آن چه ماهیت نیست و جنس، فصل و عرض عام و خاص ندارد، تعریف حدی و رسمی نیز ندارد؛ بنابراین چیزی که با عنوان تعریف برای این اصطلاح ارائه می‌شود، شرح اللفظ یا در نهایت شرح الاسم است.

لیپمن در این زمینه می‌گوید: «تفکر مراقبتی دو معنا دارد، یکی، تفکر کردن در باره‌ی مسائل فکری با دغدغه و دل‌سوزی ویژه؛ و دیگری، توجه به شیوه و طرز تفکر خود؛ به‌عنوان نمونه، عاشق

۱. این اصالت همان چیزی است که «extant» دارند و آن است.

علاوه بر نوشتن نامه‌ی عاشقانه با عشق و علاقه، نگران شیوه‌ی نوشتن نامه هم باشد.» (لیپمن، ۱۳۹۰، ۳۴۶)

بر مبنای این تعریف، دو چیز بُن‌مایه و ممیزه‌ی اصلی تفکر مراقبتی است که آن دو چیز عبارت‌اند از: ۱. اهمیت و ۲. نگرانی. «اهمیت» می‌تواند صرفاً هنجاری و غیر عاقلانه باشد؛ مانند اهمیتی که یک فرد برای یک شی‌ی بی‌ارزش قائل است؛ و یا بالعکس، می‌تواند عقلانی و غیر هنجاری باشد؛ اما «اهمیت» موجود در تفکر مراقبتی، اهمیت هنجاری و عاقلانه است. به صورت طبیعی «نگرانی» که فرع «اهمیت» است نیز عقلانی-هنجاری است که به هم آمیختن «تفکر» و «مراقبه» است.

لیپمن که به نظر می‌رسد، خودش نیز از آرایه‌ی این تعریف قانع نشده است و آن را کافی و جامع نمی‌داند، در ادامه می‌گوید: «من در مقامی نیستم که تعریفی برای تفکر مراقبتی ارائه دهم؛ بنابراین، همان‌گونه که قبلاً برای تفکر انتقادی، معیارهایی را برشمردیم و از ترکیب آن‌ها، تعریف آن مشخص شد، این جا هم فهرستی از برخی متغیرهای تفکر مراقبتی را که به نظرم نه با هم تداخل دارند و نه جامع‌اند، اما مشخصه‌های بارز و مهم آن هستند، ارائه می‌دهم.» (لیپمن، همان، ۳۴۹)

وی سی و چند معیار را برای تفکر مراقبتی برمی‌شمارد و آن‌ها را در پنج دسته‌ی زیر جای می‌دهد.

الف) ارزش‌گزار^۱

این دسته شامل معیارهای: ارزش‌یابی، ارزش‌گزاری، ستودن، پاس داشتن، تحسین کردن، احترام، محافظت کردن و تمجید نمودن می‌شود. این معیارها، نزدیک به هم‌اند، اما یکی نیستند. به‌عنوان مثال ارزش‌یابی معیاری است که بیش‌تر ناظر به واقعیت بیرونی، جدا از وضعیت هنجاری ناظر است؛ در حالی که در ارزش‌گزار، احساس و وضعیت هنجاری ناظر به شدت دخیل است؛ یعنی احساسات و عواطف فرد ناظر، ارزش‌گزاری او را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر این‌گونه نبود، دیگر ارزش‌گزار نیست؛ بلکه ارزش‌یابی است.

ب) فعال^۲

این دسته شامل معیارهای: سازمان‌دهی کردن، شرکت نمودن، رهبری کردن، اداره کردن، ساختن،

1. Appreciative

2. Active

سهیم بودن، اجراء کردن و نگه‌داشتن می‌شود. «فعال» در برابر «منفعل» است. در تفکر منفعل، استدلال، دقت و خودتصمیم‌گیری وجود ندارد. تصمیم و قضاوت «منفعل» حالت انعکاسی و بازتابی دارد و سریع به انجام می‌رسد؛ اما تفکر فعال با استدلال، دقت و خودتصمیم‌گیری و از جهت زمانی با تأخیر و تأنی همراه است. با این اوصاف طبیعی است که تفکر فعال سرعت تفکر منفعل را ندارد.

ج) هنجاری^۱

این دسته شامل معیارهای: الزام، اجبار، تحمیل کردن، تخصیص دادن، وادار کردن، تقاضا نمودن و منتظر ماندن می‌شود. به بیان لیپمن «تفکر هنجاری، پیوندی است میان تفکر در باره‌ی آنچه که هست با تفکر در باره‌ی آنچه که باید باشد.» (لیپمن، همان، ۳۵۵) به بیان دیگر، تفکر هنجاری؛ یعنی دنیا را آن گونه که هست و آن گونه که باید باشد، ببینیم. تمایزگذاری میان موجود و مطلوب، هست و باید و ایجاد رابطه بین آن‌ها، توان مراقبتی متفکر را افزایش می‌دهد و او را از افتادن در دام اشتباهات پی‌هم باز می‌دارد.

د) عاطفی^۲

این دسته شامل معیارهای: دوست داشتن، عاشق شدن، پرورش دادن، صلح طلبی، دوستی و ترغیب می‌شود.

تفکر عاطفی و اهمیت ویژه‌ی آن را در بهترین شکلش می‌توان از زبان ملاصدرای شیرازی توضیح داد. وی پس از این که عشق جوانان ظریف و خوش طبع را نسبت به نیکو صورتان درست می‌داند و می‌ستاید، در توجیه آن می‌گوید: «هدف از این عشق که در انسان‌های خوش طبع و ظریف وجود دارد، تربیت نوباوگان و کودکان است؛ زیرا کودکان، آن هنگام که فراتر از تربیت پدران و مادران خویش گام می‌گذارند، نیازمند تربیت آموزگاران‌اند. آموزگاران نیز زمانی تربیت آنان را با کمال و تمام به انجام می‌رسانند و به آنان به نیکویی توجه می‌کنند که عاشق آنان باشند و از صمیم جان به آنان مهر ورزند. اگر این غایت و هدف در این عشق وجود نداشت، خداوند آن را در وجود آدم‌های خوش طبع و ظریف قرار نمی‌داد.» (صدرالدین شیرازی، ج ۷، ۱۷۳) در زمینه‌ی

1. normative
2. Affective

تفکر عاطفی می‌توان مدعی شد که این تفکر، بستر عقلانیت و عقل‌ورزی صاحبش را می‌گستراند و مسیر او را برای فعالیت علمی و عملی عمیق و گسترده هموار می‌کند.

ه) همدلانه^۱

این دسته شامل معیارهایی چون: دلسوز، مسئول، ملاحظه‌کار، پرورش‌یافته، مُشفق، نگران، مراقب، جدی و تخیلی می‌شود. لیپمن در توضیح تفکر همدلی می‌گوید: «یعنی، شیوه‌ای از مراقبه است که با آن از احساسات، چشم‌اندازها و بینش و تخیلات مان فراتر می‌رویم و خود را با احساسات، چشم‌اندازها و بینش دیگران، تصور می‌کنیم.» (لیپمن، ۱۳۹۰، ص ۳۵۵)

ناهمدلی به این دلیل شکل می‌یابد که «الگوهای تعامل زبانی»، تنها الگوی مناسب تعامل پنداشته می‌شود و از توجه به زبان احساسات و هنجارهای جانب مقابل خودداری صورت می‌گیرد. اگر «توجه به این زبان» زنده شود، به صورت طبیعی همدلی نیز به وجود می‌آید.

تا این جا، تفکر مراقبتی به صورت اجمالی معرفی شد و توضیح بیشتر، مناسب این جایگاه نیست؛ اما لازم است که چند نکته به‌عنوان تکمله‌ی این معرفی بیان شود.

اول: براساس ادعای آقای لیپمن که مدعی «عدم تداخل این معیارها و نیز عدم جامعیت آن‌ها بود»، باید گفت که تشابه اسمی، به معنای تداخل نیست. به‌عنوان نمونه، اگر معیاری هم در بخش «ارزش‌گزار» و هم در بخش «هنجاری» با یک نام وجود دارد، به این معنا نیست که هر دو یکی باشد، زیرا «هنجار» و «ارزش» یکی نیستند. کم‌ترین تفاوت این است که هنجارها امور عینی و ارزش‌ها، امور ذهنی هستند. در نتیجه آن معیار نیز عینی یا ذهنی است.

دوم: لیپمن مدعی است که برای افزودن تفکر مراقبتی در کنار «انتقادی» و «خلاق» دو دلیل عمده دارد. دلیل نخست وی این است که «مراقبه به‌عنوان یک عمل شناختی، شایستگی زیادی دارد؛ اگرچه این عمل، در بسیاری از موارد، ذهنی و کم‌تر قابل تشخیص است مثل تهذیب کردن و ارزش‌یابی نمودن».

دلیل دیگر وی این است که «اگر تفکر متضمن معیارهای مراقبتی مثل ارزش‌یابی و ارزش‌گزاری نباشد، دُچار بی‌اعتنایی، بی‌تفاوتی و عدم استحکام می‌شود.» (لیپمن، ۱۳۹۰، ص ۳۵۸)

۲-۲. دعای کمیل چیست؟

دعای کمیل برای انسان مسلمان و به خصوص شیعیان، شناخته‌تر از آن است (حداقل در حد نام) که نیاز به معرفی داشته باشد. بسیاری از ایشان، این دعا را حداقل هفته‌ی یک‌بار می‌خوانند؛ اما از باب تکمیل ساختار بحث و معرفی برای مخاطبی که ممکن است این دعا را نشناسد، معرفی کوتاهی از آن ارائه می‌شود.

این دعا را که امام علی^(ع) به کمیل بن زیاد نخعی آموخته است، در منابع معتبر حدیثی و روایی چون «مصباح‌المتهجد شیخ طوسی، ۱۴۱۸ ق/ ۱۹۹۸ م» و «اقبال‌الاعمال سید بن طاووس، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م» نقل شده است.

محتوای کلی این دعا، بیان صفات و ویژگی‌های خداوند است که این صفات و ویژگی‌ها به تبع وجود آن ذات کامل، کامل و بی‌عیب و نقص‌اند. در سوی دیگر به صفات و ویژگی‌های انسان که به طور ذاتی با نقص و کم‌بود همراه است نیز اشاره می‌گردد. آن‌گاه از نحوه‌ی تعامل خداوند به‌عنوان صاحب صفات کامله با انسان به‌عنوان دارنده‌ی ویژگی‌های ناقصه و بالعکس، سخن رانده می‌شود و چارچوب معقول و مقبولی برای تعامل کامل با ناقص و ناقص با کامل به دست داده می‌شود.

۳. دلالت‌های تفکر مراقبتی دعای کمیل

حال با تکیه بر تعریفی که از تفکر مراقبتی صورت گرفت و معیارهای آن معرفی شد، به بررسی دعای کمیل می‌پردازیم تا ببینیم که آیا دلالت‌های تفکر مراقبتی در این دعا وجود دارند و این‌که بر فرض وجود داشتن، این دلالت‌ها، کدام‌ها هستند.

این تحقیق نشان می‌دهد که هرچند توجه به ابعاد مختلف تفکر مراقبتی در دعای کمیل قابل مشاهده است؛ اما توجه به ابعاد ارزش‌گذار، همدلی، هنجاری و عاطفی بسیار برجسته‌تر است؛ که برای جلوگیری از به‌درازا کشیدن بحث، نمونه‌هایی از این دلالت‌ها مطرح می‌شوند.

۱. در اولین بند دعای کمیل وقتی گفته می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ

كُلَّ شَيْءٍ... يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ»، معیار «ارزش‌یابی» در دو سطح آشکار

می‌شود. در یک سطح روایت وجود ارزش‌های چون رحمت، قوت، جبروت، عزت،

سلطنت، بقاء و نور در ذات خداوند است. در سطح دیگر جریان این ارزش‌ها به

حوزه‌هایی که خالی و عاری از آن ارزش‌ها هستند. خواننده‌ی این بند از دعای کمیل، با

- بیان این ارزش‌ها در وجود موجودی که مواجه با اوست به «ارزش‌گزاری»، «تحسین» و «احترام» می‌پردازد. بیان این بند از دعا به‌گونه‌ای است که خواننده تمام ابعاد هستی را پر از خداوند می‌یابد و جز او، چیز ارزشمندی را که بخواهد واسطه قرار دهد نمی‌یابد.
۲. در بند دوم که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي نَهَيْتَكَ الْعِصْمَ... اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا»، معیارهای «ارزش‌یابی»، «شفقت» و «تقاضا» مورد توجه قرار می‌گیرد. امام علی^(ع) در این بند، بر مبنای معیار ارزش‌یابی، خود را موجود گنه‌کاری (فقیری) می‌یابد که گناه/فقرش زمینه‌ساز رسیدن همه بدی‌ها و بدبختی‌ها به او می‌شود. سپس بر مبنای معیار شفقت، این فقر/گناه او را قابل‌ترحم و بخشش می‌کند و سپس بر مبنای معیار تقاضا، از خداوند خواسته می‌شود که از همه‌ی این بدی‌ها چشم‌پوشد و آن‌ها را ببخشد.
۳. در بند سوم که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ... وَ أَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ»، معیار «تقاضا» مورد توجه جدی است؛ اما در عین حال، ارزش‌یابی نیز صورت می‌گیرد؛ یعنی امام علی^(ع) بر مبنای پیوندش با خداوند، برای خود وجود حداقلی قائل می‌شود و به‌عنوان «فاعل» و «من»، که حیثیت بالاتر از «مفعول» و «مرا» دارد، سخن می‌گوید. نکته‌ی معرفتی مهمی که در این بند مورد توجه قرار گرفته، این است که متقاضی اگر بخواهد به تقاضایش برسد، ابزار را نیز باید متقاضی‌عنه فراهم کند. به بیان دیگر، متقاضی نه تنها صاحب نعمت نیست که صاحب ابزار کسب نعمت نیز نیست.
۴. در بند چهارم که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ... وَ عَظَمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ»، معیار «شفقت» و «تقاضا» مطرح شده است. وضعیت پرسنده و سائل و دعاکننده به‌گونه‌ای بیان شده است که حس‌ترحم و شفقت مسئول را برانگیزد و آن‌گاه آن‌چه را می‌خواهد، تقاضا نماید.
۵. در بندهای بعدی که مفصل و در عین حال بسیار جامع است، ابعاد مختلف تفکر مراقبتی مورد توجه قرار گرفته است. وقتی می‌گوید: «اللَّهُمَّ عَظَمَ سُلْطَانُكَ وَ عَلاَ مَكَانُكَ... اللَّهُمَّ لَا أَحِدٌ لِدُنُوبِي غَافِرًا... اللَّهُمَّ عَظَمَ بِلَائِي وَ أَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي... فَالْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ»، «ارزش‌یاب» است؛ «ارزش‌گزار» است؛

«نگران» است؛ «مراقب» است؛ «منتظر» است؛ «ترغیب‌گر» است؛ «متقاضی» است؛ «شکرگزار» است؛ و...

به بیان دیگر، این بندها ارایه‌کننده‌ی الگوی کامل «تفکر مراقبتی» است. الگویی که در آن ابتدا خود فرد و موجودات محیط او و نیز فضاهای تعاملی میان آن‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. سپس ارزش‌گذاری صورت می‌پذیرد و آن‌گاه نگرانی به وجود می‌آید و سپس مراقبت و انتظار شروع می‌شود و آرام آرام ترغیب‌گری و تقاضا آغاز می‌گردد و در پایان پس از برآورده‌شدن تقاضا، شکر می‌گزارد.

۶. بخش بعدی که می‌فرماید: «یا اِلهی وَ سیدی وَ رَبِّی اُتْرَاک مُعَذِّبِی بِنَارِکَ بَعْدَ تَوْحیدِکَ...»، ارزش‌گذاری به بهترین نوع خودش نمایش داده می‌شود و سپس شفقت برانگیخته می‌شود و ترغیب صورت می‌گیرد و آن‌گاه «تخیل» اوج می‌گیرد و متناقض‌ترین تصویر ممکن را رونمایی می‌کند. تصویری که مهر و خشم به هم آمیخته و رحمت و غضب هم‌آغوش گشته است. این تصویر را فقط متفکر خلاق و مراقبتی چون علی^(ع) می‌تواند رسم کند. فقط اوست که می‌گوید: «پس ای آقا و صاحبم به عزّت و بزرگی‌ات صادقانه سوگند می‌خورم، اگر مرا در سخن گفتن آزاد بگذاری، در میان اهل دوزخ به پیشگاهت سخت ناله سر خواهم داد؛ همانند ناله آرزومندان؛ و به درگاهت بانگ برآرم، همچون بانگ آنان که خواهان دادرسی هستند؛ و هر آینه به آستانت گریه کنم، چون کسی که به فقدان عزیزی مبتلا گشته است و صدایت می‌زنم: کجایی ای سرپرست مؤمنان؟ کجایی ای نهایت آرزوی عارفان؟ ای فریادرس فریادرس خواهان؟ ای محبوب دل‌های راستان؟ و ای معبود جهانیان؟^۱»

۷. این بخش از دعای عظیم کمیل که «اُفْتُرَاکَ سُبْحَانَکَ یا اِلهی وَ بِحَمْدِکَ... هیهات ما ذلک الظَّنُّ بِکَ وَ لَآ الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِکَ» بیان عشق، ستایش معشوق و طلب از او است. در این بخش، مسئولیت پای به میدان می‌گذارد، شفقت می‌جوشد و تقاضا به بهترین نوع آن طرح می‌شود.

۱. «فِعْرَتِکَ یا سیدی وَ مَوْلای اَقْسَمُ صَادِقاً لِنُ تَرَکْتِی نَاطِقاً لِأَضِیْحَی اِلَیْکَ بَیْنَ اَهْلِهَا صَحِیحَ الْاَمَلِیْنَ (الْاَلِیْمِیْنَ) وَ لَاصْرُخَنَّ اِلَیْکَ صُرَاخَ الْمُسْتَضْرِحِیْنَ وَ لَا یُکِیْنَنَّ عَلَیْکَ بُکَاءَ الْفَاقِدِیْنَ وَ لَا تُاَدِیْنَنَّکَ اِیْنُ کُنْتُ یا وَلی الْمُؤْمِنِیْنَ یا غَایَةَ اَمَالِ الْعَارِفِیْنَ یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ یا حَبِیْبَ قُلُوبِ الصَّادِقِیْنَ وَ یا اِلهَ الْعَالَمِیْنَ

نتیجه‌گیری

این تحقیق با تکیه بر تحلیل انجام شده به این نتیجه می‌رسد که دلالت‌های متعددی از تفکر مراقبتی در دعای کمیل وجود دارد. دلالت‌هایی که حاوی ابعاد مختلف تفکر مراقبتی و به ویژه دسته‌های «ارزش‌گزار»، «هنجاری»، «همدلی» و «عاطفی» است. وجود این دلالت‌ها در این دعا، این زمینه را به وجود می‌آورد که بتوانیم از آن برای تربیت مراقبتی کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان استفاده کنیم و تفکر مراقبتی را به آنان آموزش دهیم. همچنین این دریافت ما را به این واقعیت رهنمون می‌شود که بتوانیم سایر دعاها و یا سخنان امام علی را از این منظر به بررسی و تحلیل بگیریم.

منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ق/۱۹۹۶). اقبال الأعمال. بیروت: منشورات اعلمی.
۲. ثقه الاسلام کلینی (۱۳۹۰). الکافی. اصول: ج ۱. تهران: انتشارات دارالکتب.
۳. حرانی، ابن شعبه (۱۳۸۲). تحف العقول عن آل رسول (ص). ترجمه صادق حسن‌زاده. قم: آل علی.
۴. خواجه طوسی، نصیرالدین (۱۳۷۷). اوصاف الاشراف. تهران: طبع و نشر.
۵. خواجه طوسی، نصیرالدین (۱۳۷۴). آغاز و انجام. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳). فرهنگ معارف اسلامی: ج ۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. سپهری، سهراب (۱۳۹۵). هشت کتاب. تهران: وزرا.
۸. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۳). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة: ج ۷. قم: طلیعه نور.
۹. صلیبیا، جمیل (بی تا). فرهنگ فلسفی: ج ۱. منوچهر ترجمه صانعی دره‌بیدی. تهران: انتشارات حکمت.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م). مصباح المجتهد، بیروت، چاپ علماءالدین اعلمی.
۱۱. فنایی اشکوری، محمد (۱۳۸۶ش). نیایش عارفان شرح حکمت و معنویت شیعی در دعای کمیل، بی جا.
۱۲. لیپمن، متیو (۱۳۹۰ش). تفکر در تعلیم و تربیت، ترجمه ادریس اسلامی و کیوان اسدی، تهران: سازمان چاپ و نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۳. مولوی بلخی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۷). مثنوی معنوی. قم: نگاه آشنا.